

قرآن فہمی

سید عباس نامی



سرشناسه:	نامی، سیدعباس، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	قرآن فهمی / سیدعباس نامی.
مشخصات نشر:	ارمغان طوبی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری:	۲۲۰ ص.
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۶۹۷۶-۱۰-۷
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه.
موضوع:	قرآن--تحقیق
موضوع:	Qur'an -- Research
موضوع:	قرآن--بررسی و شناخت
موضوع:	Qur'an -- Surveys
رده بندی کنگره:	BP۶۵/۳
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۱۵۹
شماره کتابشناسی ملی:	۶۲۲۵۳۰۹



قرآن فهمی

انتشارات ارمغان طوبی

مؤلف: سیدعباس نامی

نوبت چاپ اول ۱۳۹۹

شمارگان ۵۰ جلد

چاپ نگیں

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۷۶-۱۰-۷

فهرست عناوین

- پیش‌گفتار ۹
- قرآن فهمی ۱۷
- قرآن کتاب چیست؟ ۱۷
- شناسایی قرآن ۲۰
- چرا آیاتی را همه می‌دانند؟ ۲۶
- خدا تفصیل چه می‌فرماید؟ ۳۱
- خودشناسی با قرآن ۳۳
- چگونه قرآن بخوانیم؟ ۳۵
- هدایت چیست ۳۹
- تذکر خدا و قرآن ۴۰
- قرآن و تدبیر ۴۳
- راه فهم قرآن ۴۵
- مراتب فهم قرآن ۴۷
- محکمه یابی ۴۸
- معجزه خاموش نشدنی ۵۳
- قرآن همانندی ندارد ۵۴
- دل و خدا ۵۶
- ظرفیت فهم ۵۸
- ایمان و قرآن ۶۰
- قرآن دلیل و حجتی قاطع ۶۲
- اعجاز جاویدان ۶۴
- بهباد آوردن قرآن، اعجاز قرن ماست ۶۵
- چرا به یاد نمی‌آوریم؟ ۶۵
- قرآن تذکره ۶۶

۶۷	موهبت اعراب.....
۶۹	غیر عرب و یادآوری.....
۷۱	چرا متذکر نمی‌شویم.....
۷۳	چرا تذکر.....
۷۳	چرا اصول اخلاقی و انسانی برای همه یکی است؟.....
۸۰	هدایت خدا و قرآن.....
۸۳	معرفی کتاب قرآن و تدبیر.....
۸۴	خواندن قرآن.....
۸۵	روش خواندن قرآن.....
۸۷	آیات دوتائی.....
۸۹	ترجمه آیات.....
۸۹	بهترین ترجمه برای تذکریابی، ترجمه لفظی روان است که خالی.....
۹۰	تدبیر روشمند قرآن.....
۹۴	تدبیر مبین.....
۹۵	ابزار تدبیر مبین.....
۹۶	آیات محکمه و متشابه.....
۱۰۰	مراحل تدبیر.....
۱۰۲	تدبیر در بخش اول سوره بقره.....
۱۲۶	هدایت نیاز انسان.....
۱۳۳	تدبیر در سوره مبارکه حمد.....
۱۳۳	نقطه مشترک آیات:.....
۱۳۵	علائم محکمه.....
۱۳۶	یادآوری محکمه.....
۱۳۷	آیاتی در شناسایی صراط مستقیم.....
۱۳۹	صراط مستقیم چرا؟.....
۱۴۱	آغاز تدبیر در سوره حمد.....
۱۴۳	آغاز ارجاع.....

۱۵۹	 قسمتی از خطبه
۱۶۳	 حمد و سوره نخوانید
۱۶۴	 هدایت به صراط مستقیم
۱۷۱	 ترا بخشیدم
۱۷۲	 نگوئید آمین
۱۷۳	 حب الحسین
۱۷۵	 تدبّر در سوره مبارکه توحید
۱۷۵	 وجه مشترک آیات
۱۷۶	 در اثبات محکمه
۱۸۴	 چرا فرمود «قل»؟
۱۸۶	 منظور خداوند
۱۹۰	 چرا فرمود «هو»؟
۱۹۴	 سخن ائمه در معنای صمد
۱۹۶	 انسان نیازمند
۲۰۶	 نکاتی که از تدبّر در سوره توحید یافتیم
۲۱۱	 نمودار تقسیمات آیات قرآن کریم به بخش یا واحد موضوعی (سیاق)...
۲۱۸	 منابع

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن رحيم

پاک و منزّه خدای رب العالمین است که علم و حکمت و قدرتش.. در همه عالم هویداست، و قرآن سرچشمه رحمت‌های اوست، که به همراه رحمه للعالمین، پیامبر اکرم(ص) بر همه عالم فرو فرستاد، تا بفرماید رحمت و منّتی بر بشر والایتر از ایشان ندارم.

در قرآن طرح مسائلی وجود دارد، که پرداختن به آنها، و تلاش در حل آنها، جز به رضای او، و جز به اذن و یاری ویژه او نتیجه بخش و ممکن نیست. که فرمود ما خود حافظ قران هستیم.

الحجر : ۹ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم! (مکارم)

از جمله این مسائل که قرآن و ائمه و بسیاری از علماء و پژوهشگران بارها به آن اشاره نمودند، فهم عمومی قران است. که شاید بیشترین تأکید قرآن را در آن می‌یابیم. مثلاً فرمود:

قرآن را برای تمام عالم فرستاده؛ چگونه؟

همه را به تدبّر در آن فرا خوانده، چگونه؟

و بارها در آن فرموده، قرآن نیست مگر یادآور همه عالم؛ چگونه؟

قطعاً آسان گشته تا همه را متذکر گرداند، چگونه؟

اینها از جمله مسائل بزرگی است که جوابی برایشان یافته نشده است

و از همه مهمتر، چرا مسلمانان متذکر قرآن نیستند؟

با وجودی که نزول آنرا برای تذکر خواننده و فرمود:

القلم: ۵۲ وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

در حالی که قرآن نیست مگر تذکر برای عالمیان (المیزان) و مولای ما علی (ع) و ائمه (ع) در بسیاری از احادیث بهره‌مندی همه مردم از قرآن را تأیید و تأکید نمودند، و بخصوص در حدیث مراتب فهم این را بیان فرمودند.

عالمان می‌گویند، بدون آموختن علوم لازمه فهم و درک قرآن، امکان فهم آن وجود ندارد، که سخنی بس درست و منطقی است.

اما رب العالمین همه را به تدبّر فراخوانده و اکثر علماء تأیید نمودند که این دعوت به معنای این است که: قرآن بدون پیش نیاز قابل فهم همه است، اما کسی تا کنون نگفته، چگونه؟ برخی حتی نام قرآن را نشنیدند، چگونه امکان درک و فهم آنرا دارند؟ و چرا فرمود: نیست مگر یادآور للعالمین؟

المیزان «...فرمود: "إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ"

بیان شان واقعی قرآن است، می‌خواهد بفرماید: قرآن محضاً و فقط مایه تذکر عالمیان است، که بوسیله آن بیاد می‌آورند آنچه را که خداوند در دل‌های جماعات بشری به ودیعه سپرده از قبیل علم به خدا و آیات او، پس قرآن چیزی جز ذکر نیست، بوسیله آن متذکر چیزهایی می‌شوند که غفلت و اعراض از یادشان برده، آری قرآن از کالاهایی نیست که بوسیله آن مال به دست آورند و یا به عزت و جاه و امثال آن برسند.» ترجمه المیزان، ج ۱۱، ص: ۳۷۶

علامه طباطبائی(ره) چرا فرمودند قرآن محض تذکر نازل گشته، و نفرمودند، چرا مسلمانان هر گونه آنرا می خوانند، متذکرش نمی گردند؟ و نفرمودند چگونه باید بخوانند تا متذکرش شوند؟

اغلب ما نمی دانیم: قرآن تنها کتاب منحصر به فرد عالم است که

یادآور فطرت همه است

و اعتقادی به اینگونه آیات که تعدادشان در قرآن کم نیست نداریم، باوجودی که نص صریح آیات قرآن جای بحث و نظر ندارد.

قرآن بارها فرموده یادآور ماست، تنها اگر قرآن ضبط فطری ما باشد، میتواند یادآور ما گردد .

و اگر بپرسید قرآن کتاب چیست؟

همه می گویند قرآن کتاب هدایت ماست،

درحالیکه قرآن فریاد می زند من آمده تا شما را متذکر گردانم.

و تذکر و هدایت بزرگترین فرقیان این است که، تذکر بر همه است و پذیرش و رد آن در اختیار ماست ، و هدایت بر همه نیست. و در اختیار فقط خداوند است و به هر دهد خیر فراوان داده است.

قرآن کتاب تاریخی و علمی و هنری نیست که مثل آنها نوشته

شده باشد و خوانده شود!!! چراکه یادآور یا متذکر فطرت ماست.

بسیاری بر آن ایراد گرفتند و نمی دانند قرآن کتاب تذکرست و سراسر آن تذکرست و برای اینکه بهره مندش گردند باید متذکرش شوند، پس آنگونه باید بخوانند که متذکرش گردند.

چگونه آنرا بخوانیم تا متذکرش گردیم؟

فرمود من فصل و بینا لکم بر همه می باشم، چرا و چگونه؟

ما فطرت خود را فراموش کردیم، و خدا یادآور آنست، چرا؟

تا جزا در دنیا و آخرت را بر همه مسلم و محرر نماید. چراکه بواسطه یادآوری خدای سبحان، همه فطرت خود را بیاد می‌آورند و صواب و ناصواب، حسنه و سیئه، خوب و بد و رضای خدا را می‌شناسند.

فرمود ولقد یسرنا القرآن للذكر..

تا بفراست کسی در عالم یافت نمی‌شود که قرآن را بیاد نیآورد چون فطرت همه قرآن است و یادآور آن خداست. چون متذکر همه خداست، چرا همه بر فطرت عامل نیستند؟ چون هدایت اجباری نیست، و عمل با اعتقاد و ایمان ارزشمند است.

در قرآن چرا بسیار فرموده تفکر و تعقل و تدبّر کنید؟ چون انسان با اندیشیدن بر هر سخن و عملی و آیتی...، ندای فطری خود را در دل می‌شنود و بر فطرت خود آنرا انطباق می‌دهد اگر منطبق بود بر آن ایمان و اعتقاد می‌یابد و عامل می‌گردد. حاصل اندیشیدن بر تذکر خدا... شنیدن عین ندای فطری است و با قیاس بر فطرت خود ایمان و اعتقاد ماست.

هرگز کسی بدون اعتقاد و ایمان به نماز و انفاق... نمی‌پردازد. خداوند فصل فطرت ماست، و ما با تعقل آنرا در دل می‌شنویم و با انطباق بر فطرت، عالم، عارف، حکیم، مؤمن و معتقد گشته و عامل می‌گردیم، و این اجباری نیست و بر کسی است که تعقل کند لذا فرمود:

الإسراء : ۷۲ وَ مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَ أَضَلُّ سَبِيلًا

و هر که در این دنیا نابینا باشد، در آخرت نیز نابینا و گمراه‌تر است. (آیتی)

در این کریمه فرمود کسانی که تعقل بر زمین و آسمان و مردم و جسم خود و جانوران، ایمان، دین ندارند، همانند نابینا هستند. و از قول جهنمیان فرمود، چون گوش ندادم و تعقل نکردم....

الملك : ۱۰ وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ
و می گویند: اگر ما می شنیدیم یا تعقل می کردیم، اهل این آتش سوزنده نمی بودیم. (آیتی)

علوم، معارف و حکمی ضبط فطری ما هستند که خداوند متذکر آنهاست، اما عمل بر آنها را اجباری نفرموده است. و ما بواسطه غفلت و دنیا طلبی و.... عدم تعقل آنها را در نمی یابیم، لذا معرفتی بر خود و خدا نمی یابیم.

قرآن را نازل نمود، تا با بیاد آوردن دو باره و تعقل، بر آیاتی که عین فطرت ماست، دو باره در دل ندای فطری خود را بشنویم و با ایمان و یقین عامل و از متقین گردیم که فرمود هدی للمتقین.

بارها قرآن فرموده این قرآن نیست مگر یادآور شما و ما هرچه می خوانیم چیزی به یاد نمی آوریم، چرا؟

چون متذکر گشتن به قرآن موجب اعتقاد و ایمان بسیار می گردد لذا باید همه تحت روشی یکسان متذکر آن شوند.

تا همه عالم یکسان اعتقاد و ایمان از قرآن یابند،

لذا با روشی ساده و معین و ثابت همه متذکر قرآن می گردیم.

و این روش جز از رب العالمین نیست و جز به حق و برای یکسان سازی همه نیست، و جز برای جزا در دنیا و آخرت نیست.

و اوست رب العالمین که به وضوح این روش را در قرآن شرح و

آموزش فرموده، چراکه مالک یوم الدین است، و عافیت ما را می‌خواهد.

در این کتاب با عنایت خداوند، راه و روش قرآنی متذکر و متدبر گشتن را، که طی سالها در قرآن یافتیم، شرح و آموزش می‌دهیم.

این روش را عموم مردم که علوم خاصی حتی زبان عربی را نمی‌دانند، به آسانی می‌توانند بکار برند و بهره‌مند قرآن شوند. ان شاء الله

کتاب قرآن فهمی در اثبات این حقیقت است که نزول قرآن برای تذکر یا یادآوری فطرت ماست، و در ارائه راه متذکر گشتن به قرآن است.

ما تا نیابیم نزول قرآن برای تذکر است، آن را برای متذکر گشتن نمی‌خوانیم، لذا در شناساندن ذکر و روش تذکریابی و تدبّر در قرآن این کتاب نگاشته شده، و امیدمان بر خداست که مؤثر افتد. این روش را تدبّر مبین^۱ خوانده‌ام، و با ذکر مثال شرح می‌دهم.

قصد بنده از آنچه پای آیات عرضه داشتیم، پند و اندرز و مؤظه... نیست، تنها غرضم گفتن این حقیقت است، "همه شما می‌توانید از آیات خداوند برداشتی مطابق نظر خدا یابید"

با عرض معذرت از مقدمه طولانی، تنها نیتم معرفی کتاب بوده و عرض این مطلب که، نگارش این کتاب برای کسانی است که راهی بسوی خدا خواهند، فمن شاء ذکره

در نگارش کتاب به نظر تکرار مطالب دیده می‌شود، که برای بیان مطلبی جدید مجبور به تکرار گشته ایم.

^۱ توضیحات و نمونه آن را عرض خواهیم نمود

قال رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): «أَيُّهَا النَّاسُ ... فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَ هُوَ الدَّلِيلُ يَدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ...»^۱

حضرت محمد (صلى الله عليه و آله) فرمودند: «ای مردم ... هر گاه آشوب‌ها چون شب تاریک شما را فرا گرفت به قرآن رو آورید (و بدان چنگ زنید) زیرا شفیعی است که شفاعتش پذیرفته است (در باره کسی که بدان عمل کند) و گزارش دهنده است از بدی‌ها که گفته اش (در باره آن کس که بدان عمل نکرده) تصدیق شده است، هر که آن را پیش‌روی خود کرد به بهشتش رهبری کند و هر که (از آن پیش افتد) آن را پشت سر خود قرار دهد به دوزخش کشاند، و قرآن راهنمایی است که به بهترین راه‌ها راهنمایی کند».

خدایا، ما را توفیق اطاعت و دوری از معصیت روزی گردان
نیت ما را خالص و حقیقت دین و معرفت به خود را عطایمان فرما...
و بر جوانان ما توفیق فهم و درک قرآن روزی گردان
و بر مردان و زنان ما توفیق فهم قرآن و معرفت و تقوا یافتن را
عنایت فرما....
نوری از قرآن بر دل‌های ما بتابان به برکت صلوات بر محمد و آتش.
آمین یا مجیب المضطر

والسلام. خرداد ۹۸

سید عباس نامی

^۱ (الکافی ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۵۹۹